«فرهیختگان» از میزگرد مدرسه آزاد فکری با موضوع استقلال دانشگاه‌ها گزارش می‌دهد

مفهوم آزادی در دانشگاه‌ها پارادوکسیکال است

زهرا رمضانی - فاطمه طاری بخش
گروه دانشگاه

موضوع آزادی و استقلال دانشگاه‌ها را باید جزو مباحث پرتکرار در نظام آموزش عالی دانست، مساله‌ای که در عین اهمیت آن، هنوز اجماع کاملی درباره نحوه اجرا و چگونگی تعیین حد و مرزهای استقلال دانشگاه‌ها در حیطه‌های مختلف شکل نگرفته است. موضوعی که باعث شده امروز استقلال دانشگاه‌ها به یکی از مسائل پرابهام نظام آموزش عالی تبدیل شود. از سوی دیگر با اتفاقاتی که طی ۲ ماه اخیر در دانشگاه‌ها رخ داده، بار دیگر بحث میزان استقلال دانشگاه‌ها در مواجهه با مسائل داخلی و بیرونی پررنگ شده است.

موضوعی که باعث شد مدرسه آزاد فکری دانشگاه صنعتی‌شریف در میزگردی با حضور ابراهیم آزادگان، از اساتید این دانشگاه و میثم سفیدخوش از اساتید دانشگاه شهید بهشتی که اواخر هفته گذشته برگزار شد، به بررسی شرایط امروز دانشگاه‌ها و نحوه اجرای استقلال این مراکز بپردازد. متن کامل صحبت‌های این دو عضو هیات‌علمی را در ادامه می‌خوانید.

III

ما به لحاظ اجتماعی در وضعیت خاصی هستیم، جامعه مطالباتی دارد و دانشگاه هم دچار تحولاتی شده است، با توجه به اتفاقات رخ‌داده، سوال این است که اساسا آزادی دانشگاه چه معنی‌ای دارد؟ موضوع دیگر اینکه تا چه میزان از فعالیت‌ها باید به دانشگاه‌ها و چه میزان به دولت واگذار شود؟ تعریف خودمختاری دانشگاه چیست و اصلا این خودمختاری مفید است یا خیر؟

ابراهیم آزادگان جواب من به سوال شما بله است، اما قبل از آن مقدمه‌ای در مورد اینکه نقش دولت را چه چیزی می‌دانم و نقش جامعه مدنی و دانشگاه به‌عنوان یک نهاد معروف و مهم جامعه مدنی چگونه باید ارائه شود، می‌گویم. به نظر من کار دولت یا حاکمیت به معنی کلی کلمه این است که بتواند مسیری و بستری فراهم کند که تک‌تک افراد آن جامعه و آحاد جامعه بتوانند آزادانه وارد فضای جامعه مدنی شوند و استعدادها و توانمندی‌های خود را شکوفا کنند. برای فراهم کردن بستر آزادی باید این هدف را داشته باشد که انسان‌ها بتوانند بازی آزاد داشته باشند و هرکس مطابق با استعداد خودش در نهادهای میانی که بین خانواده، مدرسه و نظام آموزشی و فضای کسب‌وکار وجود دارد، فعالیت کند. نقش حاکمیت این است که فضای جامعه مدنی را حفظ و گسترش دهد و کمک کند تا انسان‌ها بتوانند رشد کنند.

انسان‌ها خودشان به انتخاب خودشان آزادانه وارد این فضا می‌شوند. از سمت دیگر نیز دولت باید کنترلی بر فضای جامعه مدنی به‌عنوان تنظیم کننده داشته باشد و این نقش این است که آزادی توسط صاحبان قدرت، احزاب و صاحبان ثروت، محدود نشود. حق آزادی بیان یا حق انتخاب اقلیت‌ها به واسطه رأی اکثریت از بین نرود، حق انتخاب انسان‌های فرودست و طبقات محروم جامعه برای اینکه بتوانند طبقه اجتماعی را تغییر دهند، دولت باید مراقب باشد که این افراد زیر چکمه‌های انسان‌های قدرتمند که درون جامعه اختلاف دارند، له نشوند. پس دولت دو نقش اصلی دارد، یکی اینکه جامعه مدنی را برای آزادی تقویت کند و بستر آزادی را برای افراد فراهم کند و دوم رگولاتوری است که مراقب باشد که طبقات مختلف جامعه حق آزادی داشته باشند و بتوانند رشد کنند. این دو کار اصلی دولت است.

وظیفه دولت مراقبت از حقوق افراد در دانشگاه است

درمورد دانشگاه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه مدنی که اتفاقا در ایران نیز به‌صورت کمی تقویت شده و در فضایی هستیم که تعداد زیادی وارد فضای دانشگاهی می‌شوند، این مورد یک حسن است؛ همین که تعداد زیادی از افراد می‌توانند تحصیلات عالیه داشته باشند، بسیار خوب است. در مکان‌های مختلف کشور نیز پراکنده شده و این موضوع نیز یک حسن است که انسان‌ها می‌توانند با انتخاب خود وارد پروسه تغییر و رشد شوند. اما کاری که دولت باید انجام دهد، این است که به رشد دانشگاه‌ها کمک کند و تا جایی که می‌تواند بودجه آنها را تامین کند. البته اگر دانشگاه‌ها بتوانند بودجه از وقف یا افراد ثروتمند جامعه نیز تامین کنند، خوب است؛ اما وظیفه دولت این است که دانشگاه‌ها را حفظ کرده و به آنها کمک کند و صرفا رگولیت کند و نگاه کند که دانشگاه‌ها تبعیض جنسیتی نداشته باشند. یعنی مراقب باشد که قوانین دانشگاه به نحوی نباشد که قومیت خاص یا جنسیت خاصی راهی در آن نداشته باشد و نتواند رشد کند. مراقب حقوق بشر در دانشگاه باشد و من فکر می‌کنم اگر بخواهد به این کار بپردازد، نباید به انتخاب ریاست دانشگاه ورود کند، مشخص است که رئیس دانشگاه و دانشکده‌ها در پروسه دموکراتیک در درون جامعه مدنی خودشان رشد می‌کنند و بالا می‌آیند و تنها وظیفه دولت حمایت و مراقبت از قوانین حقوق بشر است.

تنها برنامه‌ریزی کلی و تشویقی باید برای دولت باشد

مساله این است که بسیاری انتقاد می‌کنند که دانشجو صلاحیت و اطلاع کافی برای این مساله ندارد. اطلاعی از نیازهای کشور ندارد و کسانی که به‌عنوان مسئول در دولت و وزارت علوم هستند، آنها باید بگویند که کجا وضعیت بهتری دارد و سیاست‌گذاری‌ها چگونه باشد. در مورد صلاحیت دانشجویان چه چیزی می‌توان گفت؟

آزادگان ببینید دو سوال متفاوت است. یک اینکه ما برنامه‌ریزی برای رشد کشور در سازمان برنامه کشور داریم که می‌بینیم این کشور با توجه به نیازهایی که دارد در چه جاهایی باید سرمایه‌گذاری داشته باشد و مشکلات اجتماعی ما چیست؟ مشکلات فنی مهندسی ما چیست یا اینکه کجا سرمایه‌گذاری صورت بگیرد. مثلا کره‌جنوبی روی آی‌تی و خودروسازی سرمایه‌گذاری کرده است و اگر چنین برنامه‌ریزی‌ای وجود داشته باشد؛ طبعا دانشگاه‌ها نیز به این سمت می‌روند. اینکه ما برنامه‌ریزی کلی برای کشور داشته باشیم، کار دولت است. بسیار خوب است که برنامه‌های بلندمدت یا کوتاه‌مدت داشته باشیم و دولت نیز بودجه را بر این اساس برنامه‌ریزی کند. نکته دوم این است که بگوییم، ساختار دانشگاه باید چگونه باشد تا بتواند بودجه و هیات‌علمی را جذب کند که ربطی به دولت ندارد.

با توجه به اینکه شما مطالعات و برنامه‌های جدی در ایده‌های دانشگاه و نوع تثبیت دانشگاه در فرهنگ‌ها و جامعه‌های مختلف داشتید؛ به نظرتان اینکه دانشگاه مستقل باشد و البته همزمان وابسته به دولت باشد، شدنی است؟

آزادگان البته وظیفه دولت این است و باید کمک کند.

درحال حاضر نیز که مساله زن و زنانگی در جامعه وجود دارد، دولت پدرسالار در ذهن همگی است و معنی آن نیز این است که پول را در قبال خدماتی می‌دهم و من نیز تعیین می‌کنم که کجا مصرف شود.

میثم سفیدخوش البته دولت باید بگوید که این پول را از کجا آورده است.

بحران بی‌ایده‌ای در دانشگاه آشکار شده است

به‌صورت کلی در جهان دانشگاه را چگونه می‌بینند و آیا واقعا همین مکانیسم وجود دارد؟

سفیدخوش نه به این سادگی اما ابتدا مقدمه‌ای می‌گویم و بعد از آن به سوال جواب می‌دهم. اولا به نظر می‌آید که در شرایط بحرانی مثل امروز بیش از هر زمان دیگری بحران بی‌ایده‌ای جامعه ایرانی در زمینه‌های مختلف از جمله موضوع بحث ما دانشگاه و مشخصا استقلال دانشگاهی و آزادی آکادمیک، آشکار است و بیش از این آشکار می‌شود. زمانی بود که چند سال پیش مثلا در زمانی که هنوز بحران سر بر نیاورده بود، وقتی که من هم مثل دیگرانی می‌گفتم که دانشگاه در ایران بحران ایده دارد، تعبیر روشنی از ماهیت و رسالت دانشگاه تعریف روشنی از دانشجو و کنش دانشگاهی و مانند آن وجود ندارد، کسانی فکر می‌کردند که اهل فلسفه سودای این را پیدا کردند که بازی‌های مفهومی و شبکه‌های مفهومی راه بیندازند و بعد از آن نیز رشته‌ای به نام فلسفه دانشگاه تاسیس کنند. من به‌شدت با این موضوع مخالف هستم و اگر روزی بحث تاسیس نهاد یا رشته‌ای تحت عنوان فلسفه دانشگاه باشد، من خودم با آن مخالفت می‌کنم. دعوتی بود در بحث فلسفه دانشگاه که فراخوانی برای همه بود، تا همه کسانی که به نحوی درگیر کنش دانشگاهی هستند، به یک خودآگاهی نسبی درباره اینکه اصلا دانشگاه چیست و رسالت آن چیست و به کدام سو می‌رود و به کدام سو باید برود، برسند. به‌هرحال هنجار و واقعیت دو حوزه متفاوت است. یک خودآگاهی نسبی درباره تمامی این موارد به دست بیاید تا زمانی که دچار بحران‌های مهمی در جامعه شدیم، دست‌کم به‌صورت نسبی یک تعیین و تکلیف اولیه‌ای وجود داشته باشد حتی به‌صورت محدود برای خود دانشگاهیان که بدانند که هستند و باید چه کاری انجام دهند. من با یک مثال نشان می‌دهم که اوضاع تا چه حد بحرانی است.

یکی دو ماه پیش با یکی از مسئولان دانشگاه خودمان مصاحبه‌ای می‌کردم که این فرد سال‌ها معاون دانشجویی دانشگاه ما بودند. به او گفتم که تعریف شما در این سال‌ها از دانشجو چیست؟ به چه کسی دانشجو می‌گفتی؟ او سکوتی کرد، نگاهی کرد و گفت که شما فیلسوف‌ها چه سوالات سختی می‌پرسید. گفتم نه ما فیلسوف‌ها سوالات بدیهی و ساده می‌پرسیم که از شدت بداهت حتی نگاهش هم نمی‌کنید. گفت من همیشه فکر می‌کردم دانشجو یعنی کسی که سازمان سنجش به ما معرفی می‌کند. حرف من این است مدیری که تعبیر و تعریفی از دانشجو ندارد و دانشجو را این‌گونه می‌بیند و خود دانشجویی که در این شرایط وارد دانشگاه می‌شود و استادی که در این شرایط با دانشجو روبه‌رو می‌شود، دچار بحران التقاطی و بحران بی‌هویتی است که تمام آن ناشی از عدم خودآگاهی است و این دانشجو و دانشگاه گیج می‌زند.

بخشی از مشکل دقیقا شروع نکردن فرآیند خودآگاهی درباره ماهیت دانشگاه و کلیت آن است. بر همین اساس می‌خواهم بگویم که وزن مفهوم آزادی آکادمیک نیز همین است. ما در روزگاری که می‌توانستیم در آرامش و گفت‌وگوهای طولانی‌مدت درباره آزادی آکادمیک به‌نحو جدی و نه به‌نحو پیچ‌پیچه‌های فردی که همیشه جاری است. زمانی که می‌توانستیم به‌صورت جدی به این مساله بپردازیم، نپرداختیم و در شرایط بحرانی هیچ کس نمی‌داند که این مفهوم چیست و دلالت‌های آن کجاست و چه کسی مسئول تحقق و نظارت بر این مورد است. هیچ کدام از این موارد را نمی‌دانیم و حرف‌های عجالتی در شرایط بحرانی نیز کمک چندانی نمی‌کند، هرچند به هر حال از جایی باید شروع کرد.

یک وجه تثبیتی دانشگاه دربرابر وجه ارادی مقاومت می‌کند

اما درباره آزادی آکادمیک باید دید زمانی که ما داریم، درباره آزادی به صورت کلی صحبت می‌کنیم، شهروند بدون آزادی هیچ مسئولیتی ندارد. شهر تاسیس شده تا از قبال آزادی مسئولیت‌ها معین شود و طبیعتا در این شرایط مهم‌ترین و اساسی‌ترین شکل آزادی، آزادی در وضع قانون است. این مهم‌ترین شکل آزادی است و جایی است که آزادی خودش را نشان می‌دهد. حالا این آزادی در وضع قانون چه فرآیندی دارد؟ این موضوع همیشه محل بحث فیلسوفان بوده است و سعی کرده‌اند برای آن الگوهای مشخصی را پیدا کنند. به این ترتیب اگر بخواهیم جایی را پیدا کنیم که در آن بیشترین صلاحیت ممکن برای مشارکت در وضع قانون به‌نحو آزادانه وجود داشته باشد، آنجا بی‌گمان دانشگاه است و دانشگاه را نیز تفکیک کردن دانشجو و استاد و مدیر به‌نحو قاطع و به‌نحوی که شکاف بین آنها شکل بگیرد کاملا بی‌معناست، چون دانشگاه یک موقعیت زمانی است و در آن فرآیندی از تربیت و پرورش اتفاق می‌افتد که نتیجه این است که استاد و استاد خردمند یا فرد ماهر در طول زمان شکل می‌گیرد و نمی‌توانیم بگوییم مثلا مقطع دانشجویی را برش بزنم و بگوییم در وجهی از کنش دانشگاهی آنها سهیم باشند یا سهیم نباشند. به این ترتیب به‌نظر من به‌طور طبیعی پاسخ به این سوال که آیا دانشجویان حقی در مشارکت در وضع قانون دانشگاه‌ها دارند یا خیر، فی‌نفسه مثبت است. در هرجا برای این مورد تردید داشته باشیم در دانشگاه نمی‌توانیم تردید داشته باشیم ولی دوباره باید مثل تمام حوزه‌های دیگر فکر کنیم که به چه نحو، چگونه و با چه حدومرزی و مشخصا مشکلات آن چیست؟ چون به همان اندازه که فی‌نفسه آزادی در دانشگاه قوام‌بخش کنش دانشگاهی است، به همان اندازه دشوارترین جاست، یعنی مشکلاتی که آزادی آکادمیک برای تحقق خودش دارد، در جای دیگر ندارد. به این خاطر که دانشگاه موقعیتی است که افزون بر فرآیندهای وضع قانون می‌خواهد جست‌وجوگر حقیقت هم باشد. ارزش‌های حقیقت‌جو را نیز مستقل از اراده‌های فردی استاد و دانشجویان پیگیری کند.

اینجاست که انگار دانشگاه مقاومتی دربرابر اراده و خواست افراد برای وضع هر قانونی دارد. اینکه مثلا در تاریخ دانشگاه می‌بینیم که همیشه بین نسل قدیم یا کسانی که استاد تمام هستند با طبقات پایین‌تر و دانشجویان شکاف و تعارضی بر سر مدیریت دانشگاه وجود دارد، ریشه در این موضوع دارد. بزرگ‌ترها خودشان را حافظان حقایقی می‌دانند که انگار بعد از سال‌ها تثبیت شدند. ما یک وجه تثبیتی در دانشگاه داریم که دربرابر وجه ارادی که در فرآیندهای دانشگاهی اتفاق می‌افتد، مقاومت می‌کند. در جواب سوال شما می‌گویم که بله، در تمام دنیا اوضاع بحرانی است و به ایران اختصاص ندارد.

جریان تفکر علمی غرب تابع اراده درونی دانشگاه نیست

دولت تامین مالی می‌کند اما همچنان دانشگاه‌ها دارای حدی از اختیارات هستند.

سفیدخوش بله، گفتم که حد و حدود آن متفاوت است.

در ایران منطق این است که به عنوان می‌شود دانشگاهی که می‌خواهد اختیارات داشته باشد باید فرآیند تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی آن اتفاق بیفتد، یعنی خودش هزینه‌هایش را تامین کند و از منابع دولتی مستقل شود. آیا چنین منطقی در کشورهای دیگر هم وجود دارد؟ ممکن است در کشور آمریکا تجاری‌سازی در برخی دانشگاه‌ها اتفاق افتاده باشد؟

سفیدخوش بله، کاملا این‌طور است، من از برخی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌پژوهان آمریکایی یا اروپایی نقل‌قول مستقیم هم برای این موضوع دارم که دقیقا به این وضعیت معترض هستند، یعنی اینکه به‌راستی جریان تفکر علمی در دانشگاه به‌نحو رضایت‌بخشی، تابع اراده درونی دانشگاهیان نیست، بلکه نیروهایی بیرون از دانشگاه از دولت تا بازار، به‌شکل تاثیرگذار و آزاردهنده‌ای برای دانشگاهیان مداخله می‌کنند و این مورد نیز منطق طبیعی است و به هر ترتیب یک بحران درونی تاسیس دانشگاه درطول تاریخ و نسبت آن با جامعه است. البته بسیار مهم است اینکه چه کسی دارد پول دانشگاه را تامین می‌کند و می‌توان درمورد جزئیات و تفاوت‌های آن صحبت کرد، چون اصلا حالت یکدستی ندارد. هرچند در یک قضاوت نهایی بی‌گمان دانشگاه‌های دنیا از این حیث وضعیت بهتری از دانشگاه‌های ایران دارند.

مفهوم آزادی در دانشگاه‌های ایران پارادوکسیکال است

به اعتقاد شما ما نُرمی از آزادی اکادمیک را داریم و تفاوت بر سر حد اجرای آن است. حال سوال این است با توجه به اینکه ما حد عرفی از اختیارات را برای دانشگاه‌ها نداریم، این آزادی را چگونه باید تامین کنیم؟

آزادگان من در ادامه صحبت‌های سفیدخوش می‌گویم که به‌نحو بسیار متناقضی دانشگاه‌های ایران مقداری آزادی دارند و ندارند. این موضوع پارادوکسیکال است. به این خاطر که دولت بودجه دانشگاه را می‌دهد و رئیس دانشگاه را نیز تعیین می‌کند اما این بودجه را که می‌دهد، چون برنامه‌ای را که گفته شد ندارد، به هر دلیلی، بودجه‌ای به دانشگاه می‌دهد و دانشگاه اینجا آزادانه تصمیم می‌گیرد استاد درباره هر پروژه‌ای که می‌خواهد تحقیق کند و دانشجو نیز به موضوعات مورد علاقه خود می‌پردازد. به همین خاطر پروژه‌ها به‌صورت پراکنده‌ای براساس علاقه اساتید جلو می‌رود و هیچ کس نمی‌گوید اینها را چگونه جمع کنند، اما در خارج از کشور پیش از اینکه دانشجو حتی اپلای کند، موضوع پژوهش او را مشخص می‌کنند. اما برای ما این‌طور نیست، در سطح دکتری دانشجو موضوع دلخواه را انتخاب می‌کند. این پارادوکس در دانشگاه ما وجود دارد.

سفیدخوش چون مفهوم آزادی مشخص نیست. مشخص نیست که آزادی در چه چیزی مورد نظر است.

با ورود دانشگاه به تجاری‌سازی مخالفم

آزادگان از آزادی بخش بی‌حساب و کتاب آن را دارند. اما اگر این برنامه نیز وجود داشته باشد این مورد نیز فشار می‌آورد، برنامه نیز ممکن است از فشار مارکت و گاورمنت را در آن دخیل کند.

حتی ممکن است مانند دانشگاه‌های آمریکایی نظامی‌ها پشت دانشگاه‌ها باشند. اساتیدی که زرنگ‌تر هستند، بودجه بهتری می‌گیرند و بر دانشگاه مسلط می‌شوند. این است که آنها را در فضای آکادمیک دانشگاه‌های خارجی آزاد می‌گذارند. اما مشکل ما از سنخ دیگری است. این وضعیت کنونی دانشگاه ما است. اما چگونه می‌توان به‌سمت آزادی حرکت کرد؟ من با تجاری‌سازی دانشگاه در کشورمان مخالف هستم. اینکه دانشگاه بتواند بودجه‌ای از دولت و یا از وقف مردم بگیرد، یک بحث است. در انگلستان نیز متداول است که خانواده‌های ثروتمند به دانشگاه‌ها کمک می‌کنند. اما اینکه ما دانشگاه را سمت تجاری‌سازی ببریم یعنی اینکه پروژه‌های خرد که عملا باعث می‌شود کار اصیل دانشگاهی که پژوهش‌های اصیل و عمیق است و اینکه بتواند مرزهای علم را جلو ببرد از دست بدهد و به اسم حل مشکلات کشور، فضای دانشگاه را وارد تجاری‌سازی می‌کنیم. در این صورت عملا دانشگاه جایی برای کسب درآمد شرکت‌های مختلف می‌شود. این گونه دانشگاه از بین می‌رود به این دلیل که هدف اصلی دانشگاه این است که بتوانیم مرزهای علم را جابه‌جا کنیم و البته نگاه کردن به فضای جامعه و مشکلات کلان و فکری جامعه و حتی مشکلات صنعتی به‌واسطه اینکه ما چگونه می‌توانیم مدیریت کنیم، از وظایف دانشگاه است. اما تجاری‌سازی مشکل ایجاد می‌کند و برخلاف این دو رویه است.

مساله آزادی دانشگاه که مطرح می‌شود معمولا ذهنیت افراد این است که دانشگاه فضای علمی است. در بسیاری از مواقع زمانی که دانشگاهیان احساس می‌کنند از آزادی آکادمیک بی‌بهره هستند، منظورشان نوعی از ابراز وجود سیاسی است. یعنی باید امکان عملکرد سیاسی برای دانشگاه وجود داشته باشد. خیلی از مواقع می‌گویند که دانشگاه ربطی به این کارها ندارد و در کشورداری نباید دخالت کند. از نظر شما آیا این دو مقوله به یکدیگر مرتبطند؟

آزادگان قطعا این دو به هم ربط دارند، دانشگاه تنها جایی از جامعه مدنی است که دو گونه آزادی در آن رشد می‌کند. اول آزادی‌ای که استعدادهای خود را بروز می‌دهد و دوم آزادی‌ای که در مورد خود مفهوم آزادی فکر می‌کند. اصلا کجا باید درباره آزادی در جامعه، آزادی در دانشگاه، آزادی در کشور فکر کرد؟ قطعا این اتفاق در دانشگاه رخ می‌دهد. نمی‌توان بعد سیاسی دانشگاه را فراموش کرد. اصلا زمانی که وارد دانشگاه می‌شویم دو کار انجام می‌دهیم. کار دوم حتما اکت سیاسی است و به‌محض که فردی، دانشجو می‌شود همزمان فعالیت سیاسی نیز انجام می‌دهد. زمانی دانشجویی که مکانیک می‌خواند باید درباره اینکه مکانیک در کشور چه جایگاهی دارد هم بداند.

با آزادی سیاسی دانشگاه باید چه کرد؟

سفیدخوش مایل هستم به نکته‌ای اشاره کنم که مهم‌ترین چیزی است که آزادی را در هر شرایطی تهدید می‌کند، پاسخ دم‌دستی استبداد و هر نوع زورگویی است. اما زورگویی و استبداد کجا پدید می‌آید؟ افلاطون این فرمول را ۲۵۰۰ سال پیش کشف

فراخوان مناقصه یک‌مرحله‌ای عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده)
نوبت اول
اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای
اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان قم در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت جهت اجرای پروژه ذیل اقدام نماید: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ می‌باشد.
نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی یا واریز وجه
مهلت زمانی دریافت اسناد: از ساعت ۰۸:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تا ساعت ۱۴:۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۰
مهلت زمانی ارائه پیشنهادها: تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ در سامانه ستاد بارگذاری گردد.
تاریخ بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: پاکت ارزیابی کیفی مناقصه‌گران راس ساعت ۰۸:۳۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۷ باز و توسط کمیته فنی بازرگانی مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.
محل و زمان افتتاح پیشنهادها: از ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۷ در محل سالن جلسات اداره کل برگزار و در بستر سامانه ستاد ایران بازگشایی می‌گردد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند به پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۵-۳۷۷۸۰۴۲۶-۷ تماس حاصل فرمایند.
ارائه پاکت الف به آدرس: قم - انتهای بلوار عمار یاسر - بلوار تعاون - مجتمع ادارات - اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای
شماره نمابر: ۰۲۵۳۷۷۷۵۵۸۳
مرکز تماس سامانه ستاد ایران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: (شماره پشتیبانی سامانه: ۱۴۵۶)
شناسه ۱۴۱۵۵۶۲

ردیف	موضوع	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	تهیه، نصب و تعمیرات گاردریل (دوموج و سه‌موج) و جمع‌آوری و بازسازی گاردریل‌های آسیب‌دیده در راه‌های شهرستان قم - کهک - جعفرآباد ۱۴۰۱	۲۶,۳۵۰,۳۹۷,۶۰۰	۱,۳۱۸,۰۰۰,۰۰۰
۲	تهیه، نصب و تعمیرات گاردریل (دوموج و سه‌موج) و جمع‌آوری و بازسازی گاردریل‌های آسیب‌دیده در راه‌های اداره راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای سلفچگان ۱۴۰۱	۲۶,۳۵۰,۳۹۷,۶۰۰	۱,۳۱۸,۰۰۰,۰۰۰

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان
Advertisement's Organization
تلفن و فکس: ۲۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
ایمیل: a66348018@gmail.com

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

کرده و گفته است که استبداد و زورگویی از دل هرج‌ومرج بیرون می‌آید. البته افلاطون به این مورد نائل نشد که بین هرج‌ومرج و آزادی تفکیک داشته باشد و آن را توضیح دهد. اما هرج‌ومرج را به‌خوبی توضیح داد و گفت که چگونه از دل هرج‌ومرج استبداد بیرون می‌آید. مهم‌ترین هرج‌ومرجی که دانشگاه به آن گرفتار است؛ هرج‌ومرج ایده‌ای است. زمانی که دانشگاه ایده مشخصی را به‌صورت نسبی در قانون برنامه خود برای بازه زمانی قابل توجه قرار ندهد، ایده‌ای که از دل خودآگاهی جمعی دانشگاهیان برآمده باشد و نه حاصل جلسه گروهی در اتاقی دربسته؛ باید از دل دانشگاهیان ایده‌ای بیرون بیاید. برای مثال دانشجو باید جست‌وجوگر حقیقت باشد؛ چیزی که دانشگاه شریف برای آن تاسیس شده است یا دست‌کم با توجه به نحوه عملکرد آن، ظاهرا با این جذب دانشجو و استاد نشان می‌دهد که به جست‌وجوگر حقیقت است. مثلا از اسم دانشگاه علمی کاربردی مشخص است که قرار است دانشگاهی باشد که مهارت‌های تکنیکی را گسترش دهد، اما زمانی که این خود این دانشگاه‌ها خودآگاهی کافی و ایده ندارند، هرج‌ومرج اتفاق می‌افتد.

هرج‌ومرج یعنی اینکه دانشگاه شریف که مغزهایی برای حوزه علوم پایه و صنعتی را جذب دانشگاه می‌کند، وارد استارتاپ‌ها می‌شود. خب شما برای راه‌اندازی این استارتاپ‌ها نیاز به هوش بالای ۱۰۰ نداشتید و با هوش متوسط هم می‌توانستید با برنامه‌ریزی مدیریتی فعالیت استارتاپی کنید و درآمدزایی داشته باشید؛ مشخص است که این دانشگاه دچار هرج‌ومرج ایده‌ای شده است یا دانشگاه علمی کاربردی سال‌هاست که در چندین کد رشته PHD می‌گیرد. دانشگاه تهران با سابقه طولانی‌مدت در ساحت جست‌وجوگری حقیقت، جاهایی شبیه به دانشگاه خدمتگزار اهداف دولت- ملت است و اخیرا شبیه دانشگاه‌های درآمدزا کارآفرین است. بخش مهمی از سابقه او مربوط به جست‌وجوگری حقیقت است. هرکدام از اینها اقتضائاتی دارند. اما زمانی که هرج‌ومرج ایده‌ای باشد، آن وقت بهترین زمان است برای اینکه هیچ گونه آزادی‌ای شکل نگیرد. اینکه آقای آزادگان می‌گوید من با تجاری‌سازی دانشگاه مخالفم، از نظر من مفروض آن این است که دانشگاه یکی، بیش نباشد و آن هم دانشگاه جست‌وجوگر حقیقت است.

آزادی ابتدا باید در سطح ایده‌ها شکل بگیرد

من از تعبیری به نام دموکراسی ایده‌ها استفاده می‌کنم. یعنی آزادی ابتدا باید در سطح ایده‌ها باشد و دموکراسی در ایده‌ها مستلزم خودآگاهی بین ایده‌ها و گزینش خودآگاهانه ایده‌هاست؛ اما زمانی که این مورد را تعیین می‌کنید، انواع و اقسام محدودیت‌های خودآگاهانه را ایجاب می‌کند. اینجاست که هر کاری را به اسم آزادی آکادمیک انجام نمی‌دهید. به این خاطر که گاهی نهادها نیز هر عملی را به دلیل سلبیت فکری خود انجام نمی‌دهند. بحران دانشگاه در ایران این است که چون ایده مشخصی ندارند، دچار هرج‌ومرج ایده‌ای هستند و در این هرج‌ومرج ایده‌ای نیروهای بیرون دانشگاه بیشترین تاثیرگذاری منفی را دارند. یعنی دولت به شکلی و بازار به شکل دیگری دانشگاه را هرجا که می‌خواهد، می‌برد. بعد از آن اراده‌های پراکنده خود دانشگاهیان، دانشگاه را به‌سمتی می‌برد. عده‌ای موقعیت دانشگاه را به‌عنوان تفریح می‌دانند، عده‌ای دانشگاه آمدند تا مهارت یاد بگیرند و عده‌ای آمدند تا حقایق علمی را پیگیری کنند و عده‌ای آمدند مدرک بگیرند و همگی در یک کلاس می‌نشینند. حال سوال این است که چرا این اتفاق در هاروارد رخ نمی‌دهد؟ البته هاروارد هم دچار مشکلات خاص به خودش است، اما این دانشگاه چون در شرایط دموکراسی ایده‌ها، ایده خودش را برگزیده کمتر دچار هرج‌ومرج ایده‌ای است و بالطبع نیز کمتر موقعیتی برای سلب آزادی آکادمیک بر اساس تعریفی که برای خود دارد، خواهد داشت.

سلف دانشجویی نباید به حیطه‌ای برای بروز آزادی سیاسی مبدل شود

بسیاری هویت سیاسی دانشگاه را مولفه‌ای برای حفظ اقتدار و انتخاب دانشگاه می‌دانند و معتقدند باید دانشگاه موضعش را نسبت به مسائل مختلف بیان کند تا از این طریق بتوانیم، هویت‌مان را ابراز کنیم. این هویت سیاسی برای دانشگاهی که دنبال واقعیت یا تربیت کارگزار برای دولت است، چگونه خواهد بود؟

سفیدخوش کاش دانشگاه‌های ما برای ابراز وجود سیاسی ناچار نبودند تا به این موارد بپردازند؛ چون مواردی که امروز در دانشگاه‌های ما جاری است، موضوعاتی است که بسیار ساده‌تر باید حل می‌شد. به‌طور مثال اینکه سلف غذاخوری مختلط باشد یا نباشد، مساله‌ای نیست که بخواهد به حیطه بروز آزادی سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تبدیل شود. در حال نقد دانشجویان نیستم، بلکه در حال نقد همه کسانی هستم که در کشورمان زندگی می‌کنیم و هنوز به این درک نرسیده‌ایم که باید مشکلی مانند این موضوع را پیش‌تر درباره‌اش بحث می‌کردیم و این حیطه، صحنه بروز آزادی سیاسی‌مان نباشد. به نظر شما تلاش دانشجویان برای مشارکت در فرآیندهای علمی در تعیین طرح درس‌ها، سمت و سوی کلی دانشگاه، تعیین ایده بنیادین دانشگاه و... صحنه بهتری نخواهد بود برای اینکه استاد و دانشجو بروز سیاسی داشته باشد؟ ما در صحنه‌های بسیار مهمی‌تری روابط‌مان را قطع کرده‌ایم. بهتر نیست که انتظار اساسی استاد و دانشجو این باشد که به‌صورت مستمر، آرام و بی‌پایان_به معنی اینکه نه انتظار داشته باشیم بعد از این هرچه دانشجویان خواستند، چراکه این حرف به همان میزان غلط است که بگوییم بعد از این هر چه اساتید گفتند_ مطالبه اصلی همه دانشگاهیان این باشد که در خودآگاهی خودشان از آنچه هستند و مسیر آینده علم و دانشگاه‌شان، مشارکت داشته باشند؟

آزادی در قبال مسئولیت‌ها دانشجو را می‌سازد

آزادی دانشگاه یعنی اینکه دانشجویان نسبت به آینده دانشگاه تصمیم بگیرند، در مقابل فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هم باید در فرصت برابر بتوانند در جامعه اثرگذار باشند، دانشگاه درون خودش نیازی به اثرگذاری در جامعه و آزادی برای اثرگذاری در این حوزه می‌بیند، چه میزان از مشکلات امروز به دلیل این است که دانشگاه در اثرگذاری جامعه محدود شده است؟ بخشی از جامعه نیز این عدم اثرگذاری را دلیل اصلی مهاجرت نخبگان می‌دانند.

آزادگان در ابتدای پاسخ به این سوال باید به تعریف‌مان از استاد و دانشجو بپردازیم. دانشجو، کسی است که کنکور داده و وارد دانشگاه شده است؟ این بی‌معنی‌ترین تعریفی است که می‌توان از دانشجو داشت. معتقدم همه افراد و به‌ویژه دانشجو با مسئولیت‌ها و روابط اجتماعی‌اش تعریف می‌شود. فرض کنید دانشجویی رشته مهندسی برق را انتخاب می‌کند و به دانشگاه صنعتی شریف می‌آید، طبیعتا برخی مسئولیت‌ها در مقابل درس‌هایش دارد، اما مسئولیت‌های وسیع‌تری نیز نسبت به جامعه‌اش دارد؛ چراکه این دانشجو رشته مهندسی را می‌خواند که رفاه اجتماعی را بالا ببرد؛ از این رو دانشجو باید به فکر مشکلات جامعه‌اش باشد و ببیند چطور می‌تواند به‌عنوان یک مهندس این رفاه را فراهم کرده و درد مردم را کاهش دهد. یعنی دانشجو باید رابطه‌اش را با مجموعه عواملی که باعث شده او به دانشجوی دانشگاهی مانند صنعتی شریف یا هر دانشگاه دیگری تبدیل شود، مشخص کند، یعنی رابطه‌اش با اساتید، دیگر دانشجویان و مردمی که در سیستان و زاهدان هستند، تعریف کند. به عبارت دیگر دانشجو برای طیف‌های مختلف است که درس می‌خواند. اینکه فردی بیاید در دانشگاه درس بخواند و بعد از مدتی نیز نمراتش را به دانشگاه MIT می‌فرستد و برای تحصیل به آنجا می‌رود، دانشجو نیست؛ چراکه دانشجو باید خودش را در درون جامعه تعریف کند. البته جامعه نیز نسبت به دانشجو مسئولیت‌هایی دارد و باید به او کمک کند تا استعدادهایش شکوفا شده و بستر را برای استفاده از توانایی‌های دانشجو و پرداخت حقوق مکفی به او فراهم کند. یعنی بالانس مسئولیت‌ها خواهد بود که دانشجو را می‌سازد. آزادی‌ای که ما تعریف می‌کنیم در قبال مجموعه مسئولیت‌ها است، اما آنچه به دانشجو در دانشگاه آموزش نمی‌دهیم، این است که او چه کسی است؟ چگونه باید نسبت به جامعه‌اش فکر کند؟ ما از همان روز اول به دانشجو آموزش می‌دهیم که چگونه مشتقات را حل کند و درنهایت هم نمره‌اش را به او ارائه می‌دهیم، در حالی که دانشگاه باید به دانشجو آزادی‌های لازم را در قبال مسئولیت‌هایی که به دانشجو دارد، به او آموزش دهد. ما باید به این سوال «من، چه کسی هستم» دانشجو جواب دهیم.

جامعه ایران در حال وارد شدن به پروسه خودآگاهی است

با توجه به شرایط امروز دانشگاه‌ها، می‌بینیم که فشارهایی به مراکز آکادمیک وارد می‌شود. هر چند که نمود اعتراضات در حد سلف مختلط است، اما این اقدامات ریشه‌ای دارد و اتفاقات در سطح جامعه به شکل دیگری خودش را در فضای دانشگاه نشان می‌دهد، فضای ایجاد شده امروز را صرفا می‌توان گفت به دلیل عدم خودآگاهی دانشجویان است؟ یا با یک بیماری جدی‌تری روبه‌رو هستیم؟

آزادگان قطعا مساله پیچیده‌تری است. همه‌مان هم به این مساله فکر می‌کنیم که چه اتفاقی در جامعه‌مان در حال رخ دادن است. اما شخصا به مجموعه اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد، برداشت مثبتی دارم؛ چراکه تصور می‌کنم جامعه در حال وارد شدن به پروسه خودآگاهی است. زنان ما در حال وارد شدن به یک پروسه خودآگاهی هستند و درحالی که ما سال‌ها در کل دنیا در یک مرتبه‌بندی مردسالارانه زندگی کرده‌ایم و حرکت‌های فمنیستی در جهان چهار موج داشته که در نقاط مختلف نیز تاثیراتی داشته، اما در بسیاری از موارد مصادره شده است. می‌بینیم نظام کاپیتالیستی با قدرتی که دارد، تمام حرکت فمنیستی را مصادره می‌کند و درنهایت می‌گوید خانم لیز نخست‌وزیر انگلستان شود، درحالی که باز می‌بینیم زن در همان ساختار مردسالارانه قرار می‌گیرد. اگر این ساختار مردسالارانه به ساختار مسئولیت‌هایی که مناسبت به جامعه داریم و در روابط‌مان با دیگر افراد داریم، برگردد آن وقت است که می‌توانیم معنی «زن، زندگی، آزادی» را درک کنیم. احساس می‌کنم چشمه آب زلالی از ایران در حال جوشش است که افرادی که در پاریس، لندن و... هستند می‌توانند از آن چشمه بنوشند. اتفاق جالبی که در ایران از جمله دانشگاه‌هایمان می‌افتد، این است که در حال رسیدن به خودآگاهی هستیم، یعنی دانشجو به دنبال این است که بخواهد خودش را بازتعریف کند، البته درست است که در اوایل راه هنوز گیج است و نمی‌داند دارد چه می‌خواهد. بنده نسبت به این اتفاقی که امروز در جامعه می‌افتد، مثبت‌اندیش هستم البته نسبت به اتفاقات قبلی و آنچه در واقعه گرانی بنزین، افتاد دیدیم که یک شورش اجتماعی بود اما اتفاق امروز متفاوت است.

یعنی آنچه امروز در دانشگاه‌ها رخ می‌دهد از نگاه شما یک نوع توانایی دانشجویان و دانشگاهیان برای تحقق آزادی است؟

آزادگان از نگاه بنده این‌طور است.

نسبت به ماهیت، رسالت و ایده دانشگاه خودآگاهی نداریم

مسیری که در دانشگاه‌ها شروع شده و بالطبع امروز هم فضای کنترلی سنگینی را در دانشگاه‌ها شاهد هستیم، می‌بینیم که گره‌ای شکل گرفته و باید تکلیف این گره را مشخص کرد. از طرفی هم می‌دانیم که این اتفاقات در دانشگاه‌ها پابرجا خواهد بود، تصور می‌کنید وضعیت امروز به تحقق خودمختاری دانشگاه کمک می‌کند؟

سفیدخوش نه‌تنها دانشجو، بلکه هیچ کدام از ما خودآگاهی نداریم و کسی که اسمش استاد است، بیشتر دچار این بحران است. البته این مساله هم نسبی است و نمی‌توان آن را مطلق گفت، اما درباره اینکه ماهیت، رسالت و ایده دانشگاه ما چیست یک عدم خودآگاهی نسبت بین همه ما وجود دارد. از طرف دیگر ما دانشجویان فلسفه خیلی مهارت‌های کافی برای توصیف وضع جاری این هم وضع جاری زنده و پویا نداریم و اگر هم بخواهیم در توصیف نقش آفرینی کنیم، باید کل رخداد به پایان رسیده باشد. برای همین است که فیلسوفان محافظه‌کار هستند؛ چراکه نیروهای معرفتی فیلسوفان آمادگی این را ندارد که به‌روز توصیف کند، اما می‌تواند وجوه بنیادینی که به‌صورت نیرو یا ضعف در بن رخدادها وجود دارد را آشکار و هنجارها را هم بیان کنند. در پاسخ به سوال شما که وضع امروز به کدام سمت می‌رود، به‌نظر من شروط استعلایی داریم که اگر تحقق پیدا کنند، جای خوش‌بینی برای اوضاع فعلی خواهیم داشت و تجربه تاریخی نیز می‌گوید برای تحقق این شروط نباید ناامید بود، اما در شرایط امروز عوامل نگران‌کننده هم کم نیستند.

مجموعه رخدادها باعث شده تا هر طرف دچار تلخ‌کامی باشد و کسی نمی‌تواند به جامعه‌ای متعهد باشد و با هر منظر فکری که به این ماجرا نگاه کند، تلخ‌کام نباشد؛ اما یکی از مهم‌ترین شروط استعلایی تحقق خوش‌بینی نسبت به شرایط امروز آن است که به‌تدریج نیروهای کنترل‌کننده درونی هیجانات شکل بگیرد؛ چراکه نیروهای کنترل‌کننده بیرونی، نیروهای به‌آتش کشیدن هستند و استدلال این مساله هم ساده است، چراکه می‌گویند آنها اغتشاش کرده‌اند و جلوی آن را گرفته‌ایم که تا حدی هم این حرف درست است و اگر کسی تفنگی آورده یا اقدام به شکستن شیشه می‌کند، به هر ترتیب باید جلوی او را گرفت، در غیر این صورت خطرناک خواهد بود، اما به نظر می‌رسد با شرایط این حدود فراتر است و بخشی از حاکمیت همچنان فکر می‌کند همه مسائل را در همه سطوح می‌تواند با نیروهای کنترل‌کننده بیرونی به‌سرانجام خوبی برساند و متاسفانه صدای بخش دیگری از حاکمیت یا مردم یا روشنفکران جامعه را هم ممکن است نشنوند که راه نیروهای کنترل‌کننده بیرونی باید راه محدودی باشد. نمی‌توان کلیت یک اعتراض را با کنترل بیرونی مهار کرد، اما سوال این است که چه اتفاقی باعث می‌شود که نسبت به این رخدادها خوش‌بین باشیم، آن وقتی است که نیروهای کنترل درونی یا نیروهای سرکوب درونی، در جامعه شکل بگیرد. اولین اقدام این نیروها، مقوله‌بندی است یعنی اگر به هر مساله‌ای انتقاد داریم، توانایی مقوله‌بندی اعتراضات و اتفاقات را پیدا کنیم. نباید فراموش کرد که خودآگاهی همان کنترل درونی است و بسیار هم کارآیی دارد و نشان از بلوغ یک جامعه است. البته انتظار داریم که حاکمیت دارای چنین خردی باشد که این مقوله‌بندی را انجام دهد و در غیر این صورت آینده‌ای ندارد. اما نقش مردم، مخالفان، دانشجویان و دانشگاهیان چه می‌شود؟ قطعا آنها هم باید این کار را انجام دهند حتی اگر این مقوله‌بندی‌ها و حدگذاری‌ها، به لحاظ عاطفی سخت باشد. خرد بلندمدت به‌رغم همه آسیب‌ها از هر طرف باید به جریان بیفتد. باید تمام نیروهای عاطفی و کمک‌کننده را برای جهت‌دهی سالم به نیروهای رهاشده به کار بگیریم، در غیر این صورت متاسفانه هیچ کس به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد.

بهترین سنسور برای کشف درد جامعه دانشجویان هستند

دانشگاه تنش‌هایی را تحمل کرده و در حال تحمل کردن است و شاید به همین دلیل تعرض‌هایی نیز به دانشگاه صورت گرفته که مراکز آکادمیک در حال تلاش برای پیدا کردن اعتبارشان در مقابل این تعرض‌ها هستند، تصور می‌کنید این اتفاقات در مجموع برای آزادی دانشجو چه دستاوردی خواهد داشت؟

آزادگان کنترل کردن تنها زمانی موجه است که آسیبی به اقلیت جامعه وارد شده و بخواهیم آن را کنترل کنیم؛ یعنی می‌بینیم افراد نمی‌توانند اکت سیاسی درستی انجام دهند در چنین مواردی دولت باید وارد میدان شوند، نه اینکه وقتی قشری در حال اکت سیاسی هستند، با آن برخورد شود. بلکه باید به افرادی که اعتراض دارند کمک کرد تا اعتراض‌شان را بیان کرده و آغوش هم برای آنها باز شود. باید بررسی شود که چرا دانشجو و یک جوان ۲۰ ساله در وسط محوطه دانشگاه در حال فریاد زدن است، ما نباید با چماق به سراغ او برویم بلکه باید آغوش‌مان را روی آنها باز کنیم. ما حق نداریم وارد فضای کنترلی نسبت به این افراد باشیم، بلکه باید منتظر بمانیم تا اکت سیاسی‌اش را انجام دهد تا ببینیم حرفش چیست. تصور می‌کنم بهترین سنسور برای کشف درد جامعه دانشجویان هستند و اساتید؛ چون وابستگی‌های خانوادگی، مالی و شغلی و این ویژگی را ندارند. از طرف دیگر دانشجو آزادترین فرد است و وابستگی‌های اساتید را ندارد و پراکندگی آنها را در سطح کشور می‌بینیم و نکته دیگر اینکه دانشجو، نخبه است و زودتر از قشرهای دیگر درک می‌کند. به همین دلیل دانشگاه‌هایی مانند صنعتی شریف، شهیدبهشتی و... بهترین محل برای این است که بفهمیم جامعه ما درد دارد و وقتی صدای درد را می‌شنویم باید آن را درمان کنیم. متاسفم که امروز برعکس عمل می‌شود؛ درحالی که حکومت باید این مشکل را درک کند. قطعا وقتی درد را متوجه می‌شویم، نشان‌دهنده خودآگاهی است درحالی که فرد خواب هیچ‌گاه درد را احساس نمی‌کند.

وقتی می‌بینیم جامعه نسبت به این اتفاقات حساس است، یعنی جامعه بیدار شده است و نظر بنده نسبت به اینکه جنبش دانشجویی متحرک شده هم مثبت است، اما ممکن است این چشمه آلوده و خراب شود، اما آنچه امروز می‌بینیم این است که این چشمه در حال جوشیدن است.

اگر بخواهیم یک مولفه و راهکار که می‌تواند وضع دانشگاه‌ها را بهبود بخشیده و به خودآگاهی دانشجویان کمک کند، نام ببریم، چه خواهد بود؟

سفیدخوش هیچ‌وقت برای تفکر بلندمدت و عمیق دیر نیست، مگر اینکه خود زمان بگوید که دیگر زمان آن گذشته است، یعنی زمان باعث شود تا فردی فوت کند، یا نهادی که در آن هستیم را دچار فروپاشی کند یا جامعه‌ای که در آن قرار داریم را دچار فروپاشی کند. تقریبا ۱۵۰ سال است که ما در تجربه برای تجدد به هر مساله‌ای پاسخ سیاسی روز داده‌ایم و دیگر باید یک جایی احساس کنیم که به این اندازه خودمان را در شرایط حساس نبینیم و شروع به نظریه‌ورزی درست کنیم؛ البته منظور تولید کتاب و مقاله نیست. نشانه بلوغ این است که به‌رغم همه سروصداها همین امروز اساتید و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و شهیدبهشتی، نگویند که امروز چه وقت برای طرح مسائل است؛ چراکه ما همیشه دچار مشکل و بحران در موضوعات مختلف خواهیم بود. سوال این است که چه زمانی فرصت آن می‌شود که به‌صورت اصیل نه فرمایشی، درباره ماهیت دانشگاه و آزادی آکادمیک صحبت کنیم. البته این موضوعی نیست که صرفا وظیفه فیلسوفان به‌معنای رسمی کلمه باشد، بلکه همه دانشگاهیان اعم از مدیران، اساتید و دانشجویان باید به آن بپردازند و این مهم‌ترین کاری است که در بلندمدت باید انجام شود. در کوتاه‌مدت هم حتما باید اصلاحاتی صورت بگیرد که مهم‌ترین آن تغییر منش در ساختار مدیریت دانشگاهی است اما باید این اتفاق به‌صورت آرام و متین دنبال شود. حداقل چند دانشگاه کشور باید فرآیند مدیریتی دانشگاهی را اصلاح کنند. امروز می‌دانیم که مدیران ارشد دانشگاه‌ها توسط دولت انتخاب می‌شوند. فرض کنیم همه افرادی که برای مدیریت دانشگاه‌ها گزینش می‌شوند، افراد شایسته‌ای هستند اما چون از دل خودآگاهی جمعی دانشگاه بیرون نیامده و رأی دانشگاهی ندارند، نمی‌توانند اراده‌های دانشگاهیان را نمایندگی کنند. از این رو دست‌کم در دانشگاه‌هایی که به دانشگاه‌های جست‌وجوگر حقیقت نزدیک هستند مانند تهران، صنعتی شریف و شهیدبهشتی باید این کار را شروع کنند. وقتی دانشگاهی در انتخاب مدیرگروه، رئیس دانشکده یا رئیس خودش شایستگی ندارد مشارکت داشته باشد، چطور می‌تواند درباره یک بحران اقتصادی نظر دهد؟ دولت باید خردمندانه‌تر در این حوزه عمل کرده و اجازه دهد تا دانشجو و اساتید در تعیین مدیران‌شان نقش داشته و در تعیین سرفصل‌ها دیالوگ‌های جدی بین اساتید و دانشجو شکل بگیرد. خوشبختانه طی چهار و پنج سال اخیر امکانات خوبی در دانشگاه صنعتی شریف وجود دارد و آن هم ساختار طراحی طرح درس که در اینکه دانشجو یاد بگیرد به شکل وزین آزادی‌اش را پیگیری کند، بسیار تعیین‌کننده است.

باید از این فرصت استفاده کنم و بگویم آنچه در کشور ما جاری است، هنوز تلخ‌ترین و نگران‌کننده‌ترین بحران‌مان نیست؛ بی‌تعارف بحران محیط‌زیستی که در آینده گریبان کشور را می‌گیرد، بسیار بزرگ‌تر است چراکه آن وقت طبیعت در برابر شهر است. آن وقت ممکن است دیگر فرصت تعامل سیاسی با آن بحران را نداشته باشیم؛ چراکه آن بحران ماهیتش به گونه‌ای است که در تمام دنیا وجود دارد، اما براساس آمارها بحران محیط‌زیست در ایران بسیار جدی‌تر از بحران محیط‌زیست در دیگر کشورهاست.

فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای ش ۵۸– ۱۴۰۱
نوبت اول
پروژه احداث شبکه آب و فاضلاب ضلع غربی در شهرک صنعتی فیروزکوه ۲ و تکمیل شبکه آب و فاضلاب در معابر باقی‌مانده شهرک صنعتی فیروزکوه ۱ و خط انتقال چاه شماره ۳
شرکت شهرک‌های صنعتی تهران در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (پروژه احداث شبکه آب و فاضلاب ضلع غربی در شهرک صنعتی فیروزکوه ۲ و تکمیل شبکه آب و فاضلاب در معابر باقی‌مانده شهرک صنعتی فیروزکوه ۱ و خط انتقال چاه شماره ۳) به شماره (۲۰۰۱۰۰۱۰۵۱۰۰۰۰۵۴) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد صلاحیت و دارای گواهینامه‌های صلاحیت پایه ۵ رشته آب از سازمان برنامه‌وبودجه کشور و تایید صلاحیت ایمنی امور پیمانکاری از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
- مبلغ برآورد اولیه بر اساس فهارس بهای سال ۱۴۰۱: (۷۷/۷۳۳/۱۶۵/۴۲۹ ریال)
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: (۳/۸۸۶/۶۵۸/۲۷۲ ریال)
- محل پروژه: کیلومتر ۱۲۰ تهران–فیروزکوه، بعد از شهر فیروزکوه، سمت چپ شهرک صنعتی فیروزکوه تلفن: ۷۶۴۴۰۰۳۳
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۱/۹/۵ می‌باشد.
- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از تاریخ ۱۴۰۱/۹/۵ الی ساعت ۱۶ تاریخ ۱۴۰۱/۹/۱۲
- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۳
- پاکت الف حاوی اصل ضمانت‌نامه بانکی می‌بایست علاوه بر بارگذاری، به‌صورت فیزیکی تا ساعت ۱۶ تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۳ در دبیرخانه شرکت ثبت‌شده و تحویل داده شود.
- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۹ صبح تاریخ ۱۴۰۱/۹/۲۶
- محل گشایش پیشنهادها: دفتر معاونت فنی شرکت شهرک‌های صنعتی تهران
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: نشانی سهروردی شمالی کوچه شهید محبی پلاک ۲ طبقه ۴ معاونت فنی و تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۶۱۰۳۸
www.tehraniec.ir و پایگاه ملی اطلاع‌رسانی: http://iets.mporg.ir
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱ داخلی ۴ دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷
شرکت شهرک‌های صنعتی تهران
شماره شناسه ۱۴۱۵۲۷۰
شماره م.الف ۳۳۳۱